

فصلنامه علمی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال یازدهم، شماره بیست و چهار، پاییز ۹۹، صفحات ۱۴۵-۱۶۹

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۰۸/۰۶

باز روایت تاریخ فرهنگی-اجتماعی دوره قاجار بر مبنای اشعار عامیانه آن دوره

زهرا علیزاده بیرجندی^۱
اکرم ناصری^۲

چکیده

تاریخ فرهنگی رویکردی میان‌رشته‌ای است که تلاش می‌کند دو حوزه اصلی علوم انسانی یعنی تاریخ و فرهنگ را با یکدیگر در تعامل ببیند. تاریخ فرهنگی از شاخه‌های پررونقی است که از دهه ۱۹۷۰ به بعد گسترش یافته است. در واقع می‌توان گفت که تاریخ فرهنگی در بستر مجموعه‌ای از تحولات گفتمانی در زمینه تاریخ، نظریه اجتماعی و مفهوم فرهنگ شکل گرفته است. پژوهش در حیطه تاریخ فرهنگی ایران نسبت به سایر حوزه‌های مطالعاتی به سبب پراکندگی منابع و قلت داده‌های اطلاعاتی کار دشواری است. رویکرد ادبیات عامیانه به دلیل پیوند آن با زندگی مردم و گستره قلمرو و غنای درون‌مایه‌های اجتماعی آن راهکاری برای بازآفرینی رویدادهای تاریخ فرهنگی است. اشعار عامیانه به‌عنوان یکی از ارکان مهم ادبیات عامه، بازگوکننده جلوه‌های گوناگون حیات مادی و معنوی آحاد جامعه است، و از این رو جایگاه ویژه‌ای در مطالعات تاریخ فرهنگی دارد. با در نظر داشتن این جایگاه، مقاله پیش رو، از طریق تحلیل درون‌مایه‌ها و مضامین برخی از اشعار عامیانه عصر قاجار، سهم این اشعار را در بازتاب سطوح اندیشه، انگاره‌ها و وجوه گوناگون حیات اجتماعی مردم آن روزگار مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌های این بررسی نشانگر ظرفیت اشعار عامیانه در دوره قاجار در بازآفرینی رخدادها، روایت وجوه مغفول حیات فرهنگی و اجتماعی، سبک زندگی و بازنمود انگاره‌های سنتی، مذهبی و کنش‌های اعتراضی انتقادی آن‌ها در جامعه عصر قاجار است.

واژگان کلیدی: اشعار عامیانه، بازروایت، تاریخ اجتماعی، تاریخ فرهنگی، قاجاریه.

zalizadehbirjandi@birjand.ac.ir
akram_naseri@yahoo.com

۱. دانشیار دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران (نویسنده مسئول)
۲. مربی دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

Narration of the Cultural and Social History of the Qajar Period Based on the Folk Poems of that Era

Z. Alizadeh Birjandi¹

A. Naseri²

Abstract

Cultural history is an interdisciplinary approach that seeks to interact with the two main fields of the humanities, i.e. history and culture. Cultural history is a thriving branch that has expanded since the 1970s. In fact, it can be said that cultural history is formed in the context of a set of discourse developments in the field of history, social theory and the concept of culture. Research in the field of cultural history of Iran is more difficult than the other fields of study due to the dispersion of the sources and scarcity of the information. The approach of folk literature is a way to recreate the events of cultural history because of its connection with the people's lives and the breadth of its territory and the richness of its social themes. Folk poetry, as one of the important pillars of popular literature, reflects various manifestations of the material and spiritual life of the individuals in society, and therefore has a special place in the study of cultural history. Given this position, the present article, by analyzing the themes and contents of some folk poems of the Qajar era, examines the contribution of these poems in reflecting the levels of thought, ideas and various aspects of social life of the people of that time. The findings of this study indicate the capacity of folk poetry in the Qajar period to recreate events, narrate the neglected aspects of cultural and social life as well as the lifestyle of the people. They also represent the traditional and religious ideas and critical protest actions in the Qajar society.

Keywords: Folk Poems, Narrative, Social History, Cultural History, Qajar.

1. Associate Professor Birjand University, Birjand, Iran (Corresponding Author)
zalizadehbirjandi@birjand.ac.ir

2. Instructor of Birjand University, Birjand, Iran

akram_naseri@yahoo.com

مقدمه

تاریخ فرهنگی رویکردی میان‌رشته‌ای است که به تحلیل و بررسی حیات فرهنگی و نمادهای گوناگون فرهنگ یک ملت در یک دوره تاریخی می‌پردازد. حوزه مطالعات تاریخ فرهنگی همانند گستره مفهوم فرهنگ، قلمرو وسیعی را به خود اختصاص داده است. یکی از حوزه‌های مطالعاتی در تاریخ فرهنگی، ایده فرهنگ‌عامه است که در دهه ۱۹۶۰ مورد توجه محققان اروپایی قرار گرفت. اقبال محققان به حوزه فرهنگ‌عامه را می‌توان واکنشی به تأکید یک‌جانبه بر فرهنگ مدارس و دانشگاه‌ها و بی‌توجهی به دستاوردهای فرهنگ‌عامه در آثار تاریخ اقتصادی و سیاسی دانست. فرهنگ‌عامه به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی، از همان آغاز به موضوع بحث و مناقشه میان نظریه‌پردازانی چون «میشل دوستو» و «استوارت هال» و مورخینی مانند راجر کارتیر^۱ و ژاک ریول^۲ تبدیل شد. مهم‌ترین بحث، مناقشه در تعریف موضوع و موارد اطلاق واژه عامه بود و اینکه به‌راستی واژه عامه همه افراد یا فقط غیر نخبگان‌اند؟ محققان اغلب برای پایان دادن به غائله دوتایی «عامه» و «نخبه» به تعاملات زیاد میان فرهنگ‌عامه و آموختنی تأکید می‌ورزند. فارغ از این مناقشات که در همه حوزه‌های مطالعاتی رخ می‌دهد، فرهنگ‌عامه و به‌ویژه ادبیات عامیانه که موضوع بحث نوشتار حاضر است، به‌عنوان بخشی از میراث ادبی مردم پیوندی تنگاتنگ با تاریخ آدمیان داشته، از این رو این ادبیات از دیدگاه تاریخ فرهنگی ارزشمند و سرشار از اهمیت است.

با توجه به اهمیت ادبیات عامه در تاریخ فرهنگی، مقاله حاضر می‌کوشد تا از طریق تحلیل مضامین مندرج در گزیده‌ای از اشعار عامیانه عصر قاجار، ویژگی‌های عصری و نسلی، دغدغه‌ها، افکار و اندیشه‌های مردم آن روزگار را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد. در این واکاوی پاسخ به سؤالات ذیل مدنظر قرار گرفته است:

۱- درون‌مایه‌ها و مضامین مطرح در اشعار عامیانه عصر قاجار کدام‌اند؟

۲- درون‌مایه‌های اشعار عامیانه عصر قاجار در بازنمایی مطرح اندیشه، انگاره‌ها و زندگی مردم از چه جایگاهی برخوردار است؟

1 . Roger chartier.

2 . Jacques Revel.

در بررسی پیشینه پژوهش حاضر باید از آثار دو تن از خاورشناسان و پژوهشگران روس، ژوکوفسکی و ایوانف یاد کرد. ژوکوفسکی در کتاب *اشعار عامیانه ایران در عصر قاجاری* که در سال ۱۹۰۲ منتشر کرد نمونه‌هایی از اشعار عامیانه این دوره را جمع‌آوری نمود. این اثر در سال ۱۳۸۲ به اهتمام و تصحیح و توضیحات دکتر عبدالحسین نوایی به چاپ رسید. ژوکوفسکی در این کتاب برخی از ترانه‌های خوانندگان و نوازندگان، ترانه‌های عروسی، لالایی‌ها، چیستان‌ها و نمونه‌هایی از مضامین گوناگون اشعار عامیانه مربوط به نواحی اصفهان و شیراز را گرد آورده است (ژوکوفسکی، ۱۳۸۲: ۱۶). ویژگی دیگر کتاب ژوکوفسکی این است که مجموعه اشعار جمع‌آوری‌شده وی به خلال سال‌های ۱۲۶۴ تا ۱۳۱۳ تعلق دارد. اثر دیگر که توسط ژوکوفسکی در پیشگفتار کتابش معرفی شده اثر «خود زکو» با عنوان *نمونه‌های اشعار عامیانه ایران* است که در ۱۸۴۲ منتشر شده است.

در این اثر که ژوکوفسکی با احترام از آن یاد کرده، ناچیزترین جا به ادب فارسی داده شده است. وانگهی این اثر پر از تصنیف‌های بیش‌ازحد یکنواخت ترجمه شده و بدون نسخه اصلی فارسی است. پژوهشگر دیگر در این عرصه ایوانف است که تخصص خود را در گویش‌های فارسی زیر نظر ژوکوفسکی به انجام رسانده است. وی در شعبه ایرانی بانک دولتی روسیه استخدام و از سال ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴ در بیرجند و کرمانشاه مشغول خدمت بود. وی در ایام اقامت در بیرجند، پژوهش‌هایی را در حوزه فرهنگ عامه و جمع‌آوری اشعار عامه روستاهای بیرجند آغاز کرد. ایوانف پس از مسافرت به روستاهای مختلف بیرجند آنچه را که از ساکنان روستاها شنیده ثبت و ضبط و پس از آوانگاری، آن‌ها را زیر نام روستای مربوط در طی مقاله‌ای منظم و مرتب کرد. در این مقاله، علاوه بر دوبیتی‌ها، لالایی‌ها، آوازهای عروسی، آوازها در مورد حیوانات و تصنیفات نیز گنجانده شده است (ایوانف، ۱۳۹۲: ۲۴). این مقاله با افزودن توضیحاتی توسط دکتر محمود رفیعی و محمد فرجامی ترجمه و در سال ۱۳۹۲ توسط انتشارات هیرمند به چاپ رسید. وجه تمایز مقاله حاضر با آثار و کارهای منتشره در این است که اشعار عامیانه موردبررسی صرفاً به یک نقطه جغرافیایی ایران تعلق ندارد و تلاش شده افزون بر آثار ژوکوفسکی و ایوانف از منابع دوره قاجار نظیر شرح *زندگانی من، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه* اثر مستوفی اشعار عامیانه رایج در ایران عصر قاجار نیز استخراج شود. تفاوت دیگر این آثار در تحلیل مضامین و درون‌مایه‌های

مندرج در اشعار و تبیین جایگاه آن در شناخت ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی ایران عصر قاجاریه است.

اهمیت ادبیات عامیانه و صورت‌های شعری آن

ادبیات عامیانه از روزگاران کهن به این سو، با تاریخ بشر همراهی پیوسته‌ای داشته است. ادبیات عامیانه به عنوان بخشی از میراث مردم و زندگی آنان از جامعه سرچشمه گرفته از این رو تحولات جامعه را بازمی‌نمایاند (طیب‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۵؛ احمدی، ۱۳۸۱: ۲۳). این گونه ادبی به عنوان یک سند تاریخی و نمود آگاهی آحاد جامعه از جایگاه مهمی در مطالعات تاریخ فرهنگی برخوردار است (برک، ۱۳۸۹: ۴۸). بسیاری از ترانه‌های عامیانه در کنار ظرافت‌های ادبی و احساسی، سند ماندگاری از واقعیت‌های زندگی مردم را عرضه می‌دارند (ریپکا، ۱۳۸۲: ۱۰۵۸؛ سجادی، ۱۳۸۱: ۵۶). با توجه به بستر شکل‌گیری این ترانه‌ها می‌توان تصویری از شیوه‌های کسب‌وکار (کتیرایی، ۱۳۵۷: ۳۵؛ پناهی سمنانی، ۱۳۷۶: ۲۰)، فعالیت‌های روزمره مردم، شیوه‌های همسرگزینی، ابزار کار، مشاغل و حرفه‌ها را در آنها یافت (روح‌الامینی، ۱۳۸۳: ۶۴۵-۶۴۷). با توجه به گستردگی قلمرو فرهنگ عامه و مباحث متنوع آن برخی از نظریه‌پردازان این حوزه، موضوعات فرهنگ عامه را دسته‌بندی کرده‌اند، «سی، اس. برن» مباحث فرهنگ عامه را در سه قلمرو ذیل دسته‌بندی کرده است:

الف) باورها، عرف و عادات مربوط به آسمان، زمین، دنیای حیوانات، گیاهان، دنیای انسانی، اشیای مصنوع بشر، روح، نفس، دنیای دیگر، موجودات مافوق بشر، غیب‌گویی، معجزات، سحر، طبابت و...

ب) آداب و رسوم مربوط به نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، مشاغل، پیشینه‌ها، گاه‌شماری، تقویم، جشن‌ها، بازی‌ها، سرگرمی‌ها و اوقات فراغت؛

ج) داستان‌ها، ترانه‌ها و ضرب‌المثل‌ها، ترانه‌ها و تصنیف‌ها، مثل‌ها، مثل‌ها، چیستان‌ها (بیبهقی، ۱۳۶۸: ۲۱).

در این قلمرو گسترده، ادبیات عامیانه هم تقسیم‌بندی خاصی دارد و در مطالعه این مقوله می‌توان صورت‌های شعری ذیل را مدنظر قرار داد:

الف) رباعی‌های عامیانه: در میان گونه‌های بسیار شعر موزون ریشه‌های رباعی بی‌گمان در میان مردم است (شمیسا، ۱۳۸۲: ۳۰۹؛ شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۳۱).

ب) ترانه‌های عامیانه غنائی و حماسی: از روزگاران کهن ترانه‌های عامیانه غنائی و حماسی در اشعار ایرانیان نمود و ظهور داشته است. این گونه ترانه‌ها تصویری از پیوندهای خانواده، اوضاع اجتماعی، حکمت عملی مردم و تا اندازه‌ای کمتر فلسفه عملی اطلاعاتی در خصوص طبقات حاکم و فرمانروا را به دست می‌دهد. این ترانه‌ها حاوی تفاوت و تمایزهای بسیاری در جوامع ایلیاتی و کوچ‌نشین با جوامع یکجانشین است. ایلیاتی‌ها به زندگانی ایل و علقه‌های جمعی بیش از زندگی فردی اهمیت می‌دهند، حتی پایگاه زن در این دو گونه زیستی آن گونه که اشعار عامیانه نشان می‌دهند، تفاوت دارد.

ج) بیت‌های عامیانه شمارشی و لالایی: شعر عامیانه مکمل همه گونه‌های هنر دراماتیک است خواه به صورت برگزیده برای عبارتهای ویژه و یا در متن نثر جای داده شده باشد. بارها حقه‌بازان و صاحبان تئاتر هنگام خواستن دستمزد از تماشاگران و نیز برای شمارشگری در شمارش تعداد حرکتهای ورزشی پهلوانان شعر به کار می‌بردند. معمول‌ترین این‌ها صورتهای کوچک شعر عامیانه است مانند بازی کودکان.

صادق هدایت نیز در بررسی‌های خود بر حضور گونه‌ها و صورتهای مختلف شعری اعم از حماسه، تراژدی، درام، مغالزه در ترانه‌های عامیانه سخن گفته است (هدایت، ۱۳۸۵: ۲۰۷). یکی از ویژگی‌های ترانه‌ها، عامیانه، سادگی غالب و بی‌تکلفی آن‌هاست. افکار، عقاید و آرزوها با سادگی خاصی در ترانه‌های عامیانه منعکس شده است، از این رو همه مردم از خرد و کلان با این ترانه‌ها آشنا و دمخوردند (شریعت‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۸۶).

سرایندگان شعر عامیانه، شاعران و آوازه‌خوانان گمنامی بوده‌اند که چه‌بسا سواد هم نداشته‌اند (فاضلی، ۱۳۸۱: ۸۴). درباره این سخنوران جز بخش کوچکی از نوشتارهایشان که در چند تذکره باقی مانده و یا به شیوه نقل زبانی سینه‌به‌سینه از رهگذر آوازخوانان و حافظان مردمی به ما رسیده است، اطلاع دیگری در دست نیست (ریپکا، ۱۳۸۲: ۹۱۰).

مضامین اشعار عامیانه دوره قاجار

در این دوره مردم کوچه و بازار، مطربان، خوانندگان، نوازندگان، مقلدان دوره‌گرد، اشعاری را در جشن‌ها، بزم‌های خصوصی، عروسی، ختنه‌سوران و سایر مراسم می‌خواندند. این اشعار و تصانیف عامیانه فاقد قواعد عروضی و صناعات لفظی و بیشتر زبان حال مردم کوچه و بازار در مواجهه با مسائل گوناگون اجتماعی و سیاسی است که در فضاهای گوناگون مجال بروز پیدا کرده است (ژوکوفسکی، ۱۳۸۲: ۲۱). این اشعار وسیله بیان عواطف و اندیشه‌های آدمی است و عواطف و افکار نیز تابع محیط مادی و معنوی هر روزگار است؛ از این رو شناخت این‌گونه اشعار بدون شناخت اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن عهد امکان‌پذیر نیست (بهزادی اندوهجودی، ۱۳۸۲: ۱۹).

کنایه‌ها، طنز و هجوهای مندرج در اشعار عامیانه، نمایشگر رذالت‌ها، مفاسد و ظلم هجوشدگان آن است و نوعی مبارزه منفی در برابر صاحبان قدرت به شمار می‌آید (آرین‌پور، ۱۳۵۷، ج ۲: ۶۴). همچنین مردمی بودن و نامعلوم بودن سراینده این اشعار مصونیتی را از جهت تعقیب و دستگیری و سایر مخاطرات سیاسی ایجاد می‌کرد.

مضامین متنوع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی اشعار عامیانه دوره قاجار، چشم‌اندازی از سبک زندگی مردم، مراسم آیینی، عواطف، وضعیت تجاری، مشاغل، رابطه دولت و مردم، نگرش‌ها و باورهای مردم دوره قاجار را به نمایش می‌گذارد، در واقع معانی نشست‌گرفته از متن اشعار عامیانه این دوره از بافت فرهنگی و زمینه اجتماعی زمانه خود تأثیر پذیرفته است. این اشعار به دلیل عدم پابندی به قواعد عروضی و صناعات ادبی شاید از نظر ادبی و هنری چندان قابل توجه نباشد، اما به لحاظ مضمون انتقادی و انعکاس حیات اجتماعی و فرهنگی زمانه خویش درخور اهمیت و شایان توجه‌اند. با در نظر داشتن اهمیت اشعار عامیانه در خوانش تاریخ فرهنگی و اجتماعی عهد قاجار، در ذیل ضمن دسته‌بندی برخی مضامین مطرح در اشعار عامیانه دوره قاجار، محتوای آن‌ها مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفته است.

سبک زندگی مردم: مفهوم سبک زندگی در شکل نوین آن اولین بار توسط آلفرد آدلر در سال ۱۹۲۹م ابداع شد. این عبارت به‌منظور توصیف ویژگی‌های زندگی آدمیان مورد بهره‌برداری قرار گرفت. از نظر برخی نظریه‌پردازان نظیر آرتور آسابرگر، این واژه مفهوم

فراگیری دارد که از سلیقه فرد در زمینه آرایش مو و لباس تا سرگرمی و تفریح و ادبیات و موضوعات مربوط دیگر را شامل می‌شود (فیضی، ۱۳۹۲: ۲۷).

پی‌یر بوردیو از نظریه‌پردازان تأثیرگذار و مطرح در حوزه سبک زندگی بر این باور است که سبک زندگی در رفتار و کنش عاملان، تجلی می‌یابد و ریشه در ذوق و سلیقه آن‌ها دارد. ذوق و سلیقه نیز تحت تأثیر عادت‌واره‌ها، به‌عنوان ساختارهای ذهنی، شکل و جهت می‌یابد. عادت‌واره‌ها نیز محصول جامعه‌پذیری ارزش‌های طبقاتی در خانواده و مدرسه است. لذا سبک زندگی در اندیشه بوردیو محصول آموزش و تربیت اجتماعی افراد است (بوردیو، ۱۳۹۰: ۳۴۱). در واقع سبک زندگی نظام‌واره و سیستم خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با هویت خاص اختصاص دارد. سبک زندگی را می‌توان مجموعه‌ای کم‌وبیش جامع و منسجم از عملکردهای روزمره یک فرد دانست که نه فقط نیازهای جاری او را برآورده می‌سازد، بلکه روایت خاصی را که وی برای هویت شخصی خویش برمی‌گزیند، در برابر دیگران مجسم می‌کند (Lefebvre, 2002: 46). سبک زندگی کاملاً قابل مشاهده و یا قابل استنتاج از مشاهده است. سبک زندگی شامل نظام ارتباطی، نظام معیشتی، تفریح و شیوه‌های گذران اوقات فراغت، الگوی خرید و مصرف (خادمیان، ۱۳۸۷: ۲۴-۲۹)، توجه به مُد، جلوه‌های عینی شَأن و منزلت، نحوه استفاده از صنایع فرهنگی، نقاط تمرکز علاقه‌مند در فرهنگ مانند دین، خانواده، میهن، هنر، ورزش و امثال آن می‌شود (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۲۱۵). محمد فاضلی نیز در کتاب مصرف و سبک زندگی معنای این واژه را عبارت می‌داند از: «طیف رفتاری که اصلی انسجام‌بخش بر آن حاکم است و عرصه‌ای از زندگی را تحت پوشش دارد و در میان گروهی از افراد جامعه قابل مشاهده است و الزاماً برای همگان قابل تشخیص نیست» (فاضلی، ۱۳۸۲: ۵۲).

جلوه‌های گوناگون سبک زندگی مردم قاجار از خوراک، پوشاک، مراسم ازدواج، مشاغل، روابط و سایر وجوه حیات اجتماعی نیز در اشعار عامیانه قابل بازیابی است.

پوشاک: در خلال اشعار عامیانه قاجاری، اشعاری در نوع پوشش، تزئینات لباس و به‌طور کلی سلیقه و مُد رایج آن دوره وجود دارد. شعر ذیل از اشعار عامیانه‌ای است که در میان مردم اصفهان از عهد ناصری خوانده می‌شد:

... به بازار می‌روی چادر یراق‌دار

خرید می‌کنی کفش پولک‌دار

چشمک و می‌زنی به مرد پول‌دار

خرید می‌کنی سوزنی قلم‌کار (ژوکوفسکی، ۱۳۸۲: ۱۶۵).

سوزنی قلم‌کار از جمله هنرهای رایج در اصفهان بوده و اگر ژوکوفسکی هم خاستگاه این شعر را ذکر نکرده بود، می‌شد از این عبارت خاستگاه آن را حدس زد. در شیراز عهد ناصری قبا‌ی میخکی دکمه‌دار در سمت چپ و راست لباس در میان جوانان طرف‌دار داشته، شاهد این مدعا اشعار ذیل است:

... قبا‌ی میخکی رنگ می‌کنم من

الهی رنگرز رنگت بجوشه

خودم نیلی کنم یارم بپوشه

قبا‌ی میخکی دوکمه چپ و راست

میان صد جوان چشمم تو را خواست (همان: ۱۷۷).

در بیرجند و توابع آن و جنوب خراسان، براساس اشعار عامیانه‌ای که ایوانف، خاورشناس روس، جمع‌آوری کرده، سبک و مدهای رایج به گونه‌ای دیگر بوده:

«یار من عرق چینی از چیت چهارگل دارد

یار من دوازده بند کاکل دارد

دوازده بند کاکل پیچ‌درپیچ

هوس رفتن به شهر کابل دارد» (ایوانف، ۱۳۹۲: ۱۹۵).

برای تزئین عرق‌چین‌ها با نخ‌های نقره‌ای‌رنگ، عرق‌چین‌ها را گل‌آرایی می‌کرده‌اند و گویا این هنر تزئینی مهارت ویژه‌ای را طلب می‌کرده است:

«عرق‌چین سرت را با نخ‌های نقره گل‌آرایی می‌کنم

و از زیر چشم به تو نگاه می‌کنم

اگر گل‌آرایی ماهری در این سرزمین نباشد

برای یافتن آن، همه مال خود را پیشکش می‌کنم» (همان: ۱۹۶).

سبک پوشش و نوع اجناس مورداستفاده در این دوره، به تدریج تحت تأثیر ورود کالاهای اروپایی تغییر کرد، این تأثیرپذیری در اشعار^۱ ذیل بازتاب پیدا کرده است:

«عرق‌چین بر سرت، از جیب فرنگ است

پیراهنی که بر تن داری بسیار تنگ است...» (همان: ۱۶۷).

«... پیرهن طوری مرواری

شلوار... مرواری

مال فرنگی مرواری...» (ژوکوفسکی، ۱۳۸۲: ۴۳).

«پیرهن طوری» و شلوار تنگ سوغات فرنگ بوده که به تدریج پوشیدن آن در میان مردم رواج پیدا کرد. «شلوار کش» هم از دیگر سوغات‌های فرنگ بوده و مطلوب زن‌بارگان چشم‌چران متجدد:

«این یار من است که می‌رود قصر قجر

حرفش نزنید که می‌خورد خون جگر

خانم جونم پیش بیا

با شلوار کش بیا» (همان: ۴۹).

لباس‌های فرنگی بیشتر از طریق مسافرت‌ها و یا از طریق اروپاییان ساکن ایران باب

۱. ایوانف و ژوکوفسکی این اشعار را در بسیاری از موارد در شکل عامیانه و محاوره‌ای آن و به گونه‌ی زبان معیار و غیرمحلّی ضبط کرده‌اند.

شد. اعتمادالسلطنه در روزنامه خاطرات خویش اشاره‌ای به هدایای ارسالی کُنت به دربار ناصری دارد که در میان این مرسوله، وی از کلاه و دستکش فرنگی هم نام برده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۵: ۹۸). ترانه‌های عامیانه متعددی وجود دارد که سراینده آن‌ها تحولات اجتماعی روزگار خود را به جهت فرنگی‌مآبی در قالبی طنزگونه بیان نموده است:

«خلخال آویز ورافتاده شاخک‌نماست امسال

تنبان بلند ورافتاده زانونماست امسال

پیرن زری ورافتاده حریر نماست امسال» (ژوکوفسکی، ۱۳۸۲: ۶۰).

در اشعار عامیانه قاجار پُربسامدترین مضامین، گفتگوهای عاشقانه و شرح شیفتگی و دلدادگی عاشق به معشوق است. در خلال این اشعار عاشقانه می‌توان اشارات فراوانی درباره سبک آرایش زنان و موارد آرایشی آن روزگار پیدا کرد. در میان مواد آرایشی، حنا کاربردهای متعددی داشته و مراسمی به نام حنابندان را به خود اختصاص داده است:

«... چون به حمام می‌روی، پاهات و حنا کن» (ایوانف، ۱۳۹۲: ۱۹۶).

«ای حنابند، ای حنابند، این حنا را خوب ببند

سر علی دوست بدار، جای حنا را گل ببند» (ژوکوفسکی، ۱۳۸۲: ۹۹).

«ای حنابند، این حنای کرمونی را خوب ببند

خانم عروس، بی‌بی عروس، دست بگیر حنا ببند» (همان: ۱۰۳).

«امشب حنا می‌بندیم به دست و پا می‌بندیم

اگر حنا نباشه، طوق طلا می‌بندیم» (همان: ۱۰۴).

علاوه بر حنا بستن، خال زدن و خوشبو کردن دست‌ها با قلمفر هم در آن دوره مرسوم بوده است:

«در آن روزی که دلبر خال می‌زد

دل من مانند کبوتر بال می‌زد

فدای سر این‌چنین نگاری شوم

که دست‌های خود را با قلمفر خوشبو می‌کرد» (ایوانف، ۱۳۹۲: ۱۷۴).

ژوکوفسکی شرح مفصلی دربارهٔ عروسی و مراسم مختلف مربوط به آن را در کتاب خویش آورده است از آن جمله است ترانه‌های عروسی، شیربها، ولیمه، مراسم حمام رفتن عروس و داماد که ذکر آن از حوصله این مقاله خارج است (ژوکوفسکی، ۱۳۸۲: ۹۶). سایر وجوه زندگی مردم قاجار از تفریحات و عادات زندگی هم در اشعار عامیانه مجال طرح یافته است. از این دست می‌توان به عادت قلیان کشیدن زنان به‌عنوان یک تفریح اشاره کرد:

«نگار من در سر ایوان جای گرفته

به دست نازکش قلیان گرفته» (ایوانف، ۱۳۹۲: ۱۸۹).

رسم چندهمسری (تعدد زوجات) و مسائل و مشکلات ناشی از آن هم جایی در اشعار عامیانه به خود اختصاص داده است:

«... هوو دارم پسر داره هر کار می‌کنم خبر داره» (ژوکوفسکی، ۱۳۸۲: ۵۸).

تفاوت سطح زندگی و شکاف طبقاتی در دورهٔ قاجار را می‌توان از خلال ناله‌های عاشقانه نیز دریافت:

«ناله برآور که کار ما ناله کردن است

که فاطمه دختر ارباب ماست

دو قرص نان جوین بر شالی بسته

که این هزینه (خوراکی) یک سال است» (ایوانف، ۱۳۹۲: ۱۷۲).

مضامین سیاسی: در خلال اشعار عامیانهٔ این دوره مضامین گوناگون سیاسی شامل انتقاد از دستگاه حاکمه و ناکارآمدی رجال، رقابت‌های درباری، شکایت از ظلم والیان، گرانی ارزاق و مسائلی از این دست دیده می‌شود. همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد، نامعلوم بودن

سراینده این اشعار مانع از پیگرد حکومتی می‌شده است. در ذیل نمونه‌های متعددی از این‌گونه مضامین آورده شده است:

شکایت از ظلم ظل‌السلطان:

اینجا مُلک تهران است بیا فرار کنیم

این سبزمیدان است بیا فرار کنیم

شیراز گلستان است بیا فرار کنیم

ابرو بالا مژگان است بیا فرار کنیم

روز عید قربان است بیا فرار کنیم

عهد ظل‌السلطان است بیا فرار کنیم (ژوکوفسکی، ۱۳۸۲: ۸۲).

ظل‌السلطان، فرزند ناصرالدین‌شاه در اصفهان حکومت مقتدر و مستقلی داشت (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۴۹۷)، بر اساس یادداشت‌های حاج سیاح در میان مردم شایع بود که ظل‌السلطان بیشتر از ده میلیون تومان، املاک و عمارت در اصفهان در تصرف داشته است (حاج سیاح، ۱۳۵۶: ۳۹). تصنیف فوق حاکی از مظالم ظل‌السلطان و نارضایتی مردم از کشتار وی در سبزه‌میدان است. سبزه‌میدان در مدخل بازار تهران قرار داشته که در روزگار محمدشاه که ظاهراً تنها میدان شهر بوده؛ کسبه مختلف، سلمانی‌های دوره‌گرد، درویشان، گدایان، معرکه‌گیران در این میدان می‌لولیدند. مراسم سر بریدن و اعدام و شکنجه مجرمین نیز در این میدان صورت می‌گرفته است (ژوکوفسکی، ۱۳۸۲: ۸۲).

ظل‌السلطان همچنین یک سپاه مجهز اتریشی ترتیب داده بود و قشون خاص خود را داشت. ناصرالدین‌شاه پس از اطلاع از وجود این قشون، ژنرال واگنرخان را جهت تحقیق به اصفهان فرستاد. واگنرخان در بازگشت به شاه هشدار داد و ناصرالدین‌شاه در سال ۱۰۳۵ ه.ق با صلاح‌دید امین‌السلطان طی فرمانی ظل‌السلطان را از کلیه قلمرو حکومتی‌اش به‌جز اصفهان معزول کرد (همان: ۸۷). در تصنیف ذیل ماجرای تنزل موقعیت ظل‌السلطان و نقش امین‌السلطان در این جریان و به‌طور تلویحی رقابت‌های میان ظل‌السلطان و امین‌السلطان بازنمود شده است:

کو توپچی و کو تخت من

کو حکم‌های سخت من...^۱

کو اصفهان، کو شیرازه

کو صارم‌الدوله^۲ (همان: ۷۷)، پرنازه

کو توپچی و کو سربازه

شاه بابا گناه من چه بود؟

این روز سیاه من چه بود؟

صدراعظم بهر خدا

عرضم نما به پادشاه

پارک مرا پیشکش نما

شاه بابا گناه من چه بود؟

این روز سیاه من چه بود؟

شاه بابا گناهت را می‌گه

این روز سیاهت را می‌گه

جلال‌الدوله^۳ (همان: ۷۹) بچه بود

شیراز بهش سپرده بود

والله چیزی نخورده بود

۱. اشاره به حکم‌های قساوت‌آمیز ظل‌السلطان که کمترین آن بریدن گوش و بینی و بیشترین آن شکم دریدن و مسموم کردن بود.

۲. شوهرخواهر ظل‌السلطان که با عنوان رئیس‌کل دستیار او بود.

۳. پسر ظل‌السلطان که هم‌نام و هم‌لقب برادر بزرگ‌تر ظل‌السلطان بود.

شاه بابا گناه من چه بود؟

این روز سیاه من چه بود؟

صدراعظم در هوسه

شیراز و ازم گرفت بسه

مرغ دلم در قفسه

شاه بابا گناه من چه بود؟

این روز سیاه من چه بود؟ (همان: ۷۹-۸۰).

نارضایتی از صاحب دیوان: (روزنامه شرف، ۱۳۰۱: ۴۹-۵۰) فتحعلی خان صاحب-دیوان، پسر میرزا علی اکبر، نواده حاج ابراهیم خان کلانتر از رجال عهد ناصری بود و مثل همه رجال آن روزگار مردی سودجو، طماع و پول پرست بود که از طریق اخذ رشوه، دارایی فراوانی تحصیل کرد. احتکار ارزاق توسط صاحب دیوان در زمانی که فرمانروایی فارس را عهده دار بود، موجب قحط و غلا و مرگ شماری از مردان و زنان بر اثر گرسنگی شد. نارضایتی مردم از عملکرد صاحب دیوان منجر به بلوا و شورش در شیراز شد. تصنیف زیر حاکی از ناخرسندی مردم از عملکرد صاحب دیوان و مظالم او در شیراز به سال ۱۳۰۳ ه.ق است:

«سبیل سیاه رفت تو دیدی چادر هوا رفت تو دیدی

قربغه^۱ راه رفت تو دیدی موش تو سوراخ رفت تو دیدی

صاحب دیوون^۲ خَر تو برون چه کار داری به نرخ نون

یک راست برو شغال چیپونیک راست برو پایتخت ...»

(ژوکوفسکی، ۱۳۸۲: ۸۴).

۱. همان قورباغه است.

۲. روستایی در نزدیکی شیراز که مقر و ملک فتحعلی خان بود.

تحریم تنباکو: واقعه رژی و تحریم تنباکو از رخداد‌های تأثیرگذاری است که شعاع آن تأثیرات به اشعار عامیانه هم رسید:

«من خانم قلیان کشم

از بهر قلیان ناخوشم

بنگر به رخت مشمشم

برخیز و قلیان را بیار

میرزا که داده حکم جنگ

یا گلوله و توپ و تفنگ

مشدی والدنگ و درنگ؟

برخیز و قلیان را بیار

فرنگی گفته من موشم

دنگی نزن تو گوشم

کیسه تنباکو بدوشم

می‌رم فرنگ می‌فروشم» (مستوفی، ۱۳۸۰: ۴۷۱-۴۷۲).

انتقاد از حضور ملیجک در دربار و توجه بیش از حد شاه به او: حضور ملیجک در دربار و اعمال و رفتارهای آزاردهنده وی و توجه بیش از حد شاه به او خشم بسیاری از درباریان را برانگیخت. همراهی ملیجک در سفر فرنگ نیز موجب تعجب صاحبان جراید اروپایی از حضور این کودک در این سفر رسمی و انعکاس اخبار آن در مطبوعات اروپایی شد. دامنه این انتقادات به اشعار عامیانه نیز راه یافت:

زردآلو عنک^۱ آمده به بازار حکم شاه شده لبشاتو بگذار (همان: ۲۶۱-۲۶۲).

منظور از زردآلوی عنک، ملیجک، برادرزاده امین اقدس گروسی، زن سوگلی ناصرالدین شاه بود. به تعبیر مستوفی این بچه «زردمبوی بدریخت بدادای لجوج بود» که بدون هیچ دلیلی موردعلاقه شاه قرار گرفته بود و موجبات نارضایتی بسیاری از درباریان و تمسخر مردم را فراهم کرده بود (همان: ۲۶۳).

انتقاد از کُنت دو مونت فورت، رئیس پلیس تهران: ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۶ ه.ق. پس از مراجعت از سفر دوم اروپا در تهران اداره پلیس را تأسیس و کنت دومونت فورت را در رأس آن قرار داد. کنت علاوه بر توجه به نظم و انضباط و آراستگی تهران با اتخاذ تدابیر و انجام اقداماتی در بستن روسپی‌خانه‌ها و تمرکز دادن آنان در برخی محله‌های شهر مانند چال سیلابی می‌کوشید تا به فسق و فجور پنهانی سروسامانی بدهد. وی حتی برای کسب وجه مردمی، کودکان خود را لباس ایرانی می‌پوشاند و برای آن‌ها نام‌های ایرانی انتخاب می‌کرد، چنانچه نام یکی از دختران خود را به لیلا برگرداند. مردم در واکنش به تعقیب زنان روسپی به دستور کنت، تصنیف زیر را برای دخترانش ساختند و در این تصنیف او را موجودی فاسد نشان دادند. این تصنیف‌ها علاوه بر تهران در کوچه و بازار اصفهان و شیراز نیز رایج بود:

«لیلا را بردند چال سیلابی

بخشش آوردند نان و سیرابی

لیلا را بردند دروازه دولاب

براش خریدند اُرسی و جوراب

لیلا را بردند حمام گلشن

کُنت بی‌غیرت چشم تو روشن...» (ژوکوفسکی، ۱۳۸۲: ۷۰).

۱. زردآلوی نرک و بی‌پیوندی می‌گویند که آن زردآلو، طمع ترش و شیرین و قواره کوچکتر و هسته تلخ‌تری نسبت به زردآلوهای پیوندی دارد.

رشوه‌ستانی: رشوه‌کاری یکی از آفات نظام دیوانی ایران عصر قاجاریه است که در رساله‌های انتقادی و آثار اصلاح‌طلبان آن دوره بارها این رسم موردانتقاد قرار گرفته است. طباطبایی در تبیین دیدگاه‌های نو در اندیشه اقتصادی روزگار قاجاریه به نگرش‌های مطرح در مورد این رسم اشاره کرده و دلایل رواج آن را موردبررسی قرار داده است (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۳۲۲). زین‌العابدین مراغه‌ای نیز اعتقاد به رشوه را یکی از عوامل خرابی مملکت و بی‌توجهی به منافع ملی عمومی دانسته است (مراغه‌ای، ۱۳۸۴: ۳۲).

تصنیف عاشقانه ذیل روایتی از این رسم غلط در دوره قاجار است:

«نگار نازنین ریزه‌دندون مَر از عشق تو بردن به زندون
چرا غم مُخوری ای یار نادون دو تا گوشواره دارم مال دیوون»

(ایوانف، ۱۳۹۲: ۲۶).

در این تصنیف معشوق برای رهایی او از زندان گوشواره‌هایش را به رشوه‌خواران دیوانی خواهد داد.

جنگ و ستیزهای امرای محلی: امرای قائنات و سیستان غالباً با یکدیگر در رقابت و ستیز بوده‌اند (مجتهدزاده، ۱۳۷۸: ۱۹۴). این ستیزها برای مردم چیزی جز فقر و تنگدستی حاصلی نداشته است. در آوازه‌های محلی ذیل این ستیزه‌ها بازتاب پیدا کرده است:

«دَرِ قلعه بیرجند آهنی شو سیستون نیم بُلُوکی قاینی شو»

برم عرض کنم به میر علم خان که خوراک مو جو اُ گندم شو» (همان: ۱۷۴). میرعلم‌خان، حاکم قاینات که در اغلب ترانه‌های محلی بیرجند نامی از او به میان می‌آید، دائماً بر اساس یادداشت‌ها و اظهارات ایوانف با حکام محلی سیستان در جنگ بوده، وی در بیشتر این جنگ‌ها بر امرای سیستانی پیروز شده است. دَرِ بزرگ آهنی که در دوبیتی از آن یاد شده در زمانی که ایوانف در بیرجند بوده، در قلعه بیرجند سکونت داشته است. مصرع آخر دوبیتی اشاره به فقری دارد که در نتیجه اقدامات جنگی میرعلم‌خان در این نامه شیوع یافته است (همان: ۲۸).

تمسخر و طنز مردم در برابر نوگرایی و مظاهر آن: در برخورد با مظاهر تمدن اروپایی و نوگرایی در ایران، مردم کوچه و بازار با طعنه و کنایه و تمسخر، برخی از این مظاهر را به سخره گرفتند. در این زمینه می‌توان به حضور پزشک خارجی در هنگام زایمان دشوار افسر السلطنه^۱ اشاره کرد. جامعه بسته و سنتی آن روز این مسئله را بر نمی‌تافت. اعتماد السلطنه ذیل رویدادهای چهارشنبه ۲۲ ذی‌الحجه ۱۳۰۸ در این باره می‌نویسد: «... در حضور شاه صحبت از زاییدن افسر السلطنه، دختر مشیرالدوله که از عزه‌الدوله است بود که در وقت وضع حمل، حکیم ادلنگ انگلیسی را برده بودند برای قابلیت. شاه خیلی متغیر بود و می‌فرمود بد رسمی تازه معمول شده که مرد باید زن را بزایاند. امین‌السلطان (میرزاعلی‌اصغر خان) عرض کرد چرا متغیر می‌شوید مگر چه خواهد شد» (اعتماد السلطنه، ۱۳۸۵: ۱۰۲). در مورد این رویداد تصنیف‌های رکیکی توسط مطربان ساخته شد. ژوکوفسکی آن تصنیف‌ها را در کتاب خویش آورده است. ژوکوفسکی ضمن بیان توضیحاتی پیرامون ماجرا از ذکر نام افسر السلطنه خودداری کرده است (ژوکوفسکی، ۱۳۸۲: ۷۲-۷۵). یکی دیگر از مظاهر تجدد، ماشین دودی بود که ورود آن واکنش‌های متعددی را از سوی مردم موجب شد. تصنیف ذیل شاهد این مدعا است:

«شاهنشاه ایران	ماشین آورد به تهران
ای شاه چه کار کردی	طهرانو ویرانه کردی
زن‌ها را دیوانه کردی	بس که زنا نشستند
پایه ماشینو شکستند	ماشین دودش هوا رفت

زن کمپانی ددا رفت» (همان: ۱۸۴).

مضمون اشعار بالا شکایت‌گونه‌ای طنزآمیز به شاه قاجار است که با آوردن ماشین دودی سبب خارج شدن زنان از خانه و مسائل مترتب بر آن شده است. در ادامه این تصنیف عامیانه به گلایه‌ها و شکایات مردان نسبت به بالا رفتن توقعات زنان بعد از ورود ماشین به تهران اشاره شده است:

۱. دختر عزت‌الدوله خواهر ناصرالدین شاه.

«یل یراق‌دار نمی‌خوام

کفش پولک‌دار نمی‌خوام

چارقد مشمش نمی‌خوام

شلوار کش نمی‌خوام

ماشین می‌خوام...

مهرم حلال جونم آزاد

من ماشین می‌خوام» (همان: ۱۸۴-۱۸۵).

وقوع رویدادهای طبیعی در اشعار عامیانه: گزارش برخی رویدادهای طبیعی نیز در اشعار عامیانه نمود پیدا کرده است. مستوفی در شرح خاطرات زندگی‌اش اشاره‌ای به خورشیدگرفتگی سال ۱۲۹۹ ه.ق دارد. بنابر اظهارات مستوفی تاریکی به حدی بوده که نزدیک ظهر ستارگان در آسمان دیده می‌شدند. چند شعر عامیانه هم برای این واقعه آسمانی ساخته شده بود که بچه‌ها تا مدت‌ها در کوچه می‌خواندند:

«خورشید دیدی؟ واخ واخ. نترسیدی؟ واخ واخ.

عالم سیاه شد، واخ واخ. کوکب پیدا شد. واخ واخ» (مستوفی، ۱۳۸۰: ۱۵۵).

زمستان سخت ۱۳۱۳ و بارش برف شدید: زمستان سال ۱۳۱۳ ه.ق آن‌گونه که مستوفی در خاطرات خود آن را به تصویر کشیده بسیار سخت و بارندگی بسیار زیاد بود. در ۲۲ رمضان مقارن با اواخر اسفند در تهران به قدر یک چارک برف بارید. عامه مردم هم در مقابل این فشار طبیعت، تصنیف‌هایی را با مضمون ذیل ساختند:

«خوش‌قدم با اجاق یخ بسته آش کوفته سماق یخ بست

ملا کلثوم بذاکرش فرمود بدنم رو الاغ یخ بسته» (همان: ۵۲۵).

انتقاد مردم از قحطی و گرانی نان در دوره ناصری و مظفری: بروز قحطی و پیامدهای حاصل از آن به‌ویژه گرانی نان و کمبود ارزاق همواره موجبات ناخرسندی مردم را

فراهم کرده بود. یکی از این قحطی‌ها مربوط به سال ۱۲۸۸ هـ.ق است. مردم پایتخت در هنگامه بروز قحطی این تصنیف‌ها را در کوچه و بازار می‌خواندند:

«شاه کج کلا

نان شده گران

ما شدیم اسیر از دست وزیر

از دست وزیر» (همان: ۱۰۹). منظور از وزیر، میرزا عیسی، پسر میرزا موسی وزیر سابق تهران است که بعد از پدر، تازه به وزارت تهران و پیشکاری نایب‌السلطنه برقرار شده بود (همان: ۱۱۰).

در دوره مظفرالدین‌شاه نیز مردم کوچه و بازار با تحقیر شاه و در اعتراض به گرانی نان و ارزاق عمومی اشعار ذیل را در کوچه و بازار می‌خواندند:

«آبجی مظفر چرا نون گرونه؟ آبجی مظفر چرا گوشت گرونه؟» (همان: ۴۲).

از دیگر مسائل بروز عوارض بدیع سیاست دولت و احتکار گندم به وسیله مالکان بود. در این قضیه حتی گاه بزرگان دولت با محترکان همدست می‌شدند (هدایت، ۱۳۶۱: ۶۵؛ آدمیت، ۱۳۸۵: ۷۸).

نتیجه‌گیری

تحلیل محتوایی درون‌مایه‌های اشعار عامیانه در دوره قاجار نشانگر تنوع مضامین مطرح در آن‌هاست. خاستگاه اجتماعی این ترانه‌ها و نشئت گرفتن آن از بافت فرهنگی و زمینه اجتماعی زمانه‌شان یکی از دلایل تنوع مضمونی آن‌هاست. از این رو این اشعار و ترانه‌ها علاوه بر نشان دادن ویژگی‌های ذوقی مردم، روایتگر وجوه گوناگون حیات اجتماعی آن‌ها، سبک زندگی، باورها، عواطف، مشاغل، تعاملات اجتماعی، مراسم آیینی، دردها و ناخرسندی‌های آنان از نظم موجود نیز است.

پُرسامدترین مضمون رایج در این اشعار، گفتگوهای عاشقانه و شرح شیفتگی و دلدادگی عاشق به معشوق است، اما این مضمون پُرسامد تصویرگر دردها، مظالم، آفات نظام دیوانی

و فقر اجتماعی آن روزگار است. نقد دولتمردان و حکام در قالب طنز و هجو و کنایه، نیشخند نسبت به برخی مظاهر نوگرایی از لباس و اطوار فرنگی گرفته تا معاینه زنان توسط پزشکان مرد، حاکی از ظرفیت اشعار عامیانه در تبیین انگاره‌های اجتماعی و سیاسی آحاد جامعه عصر قاجار است. ضبط بسیاری از روایت‌های ناگفته و مغفول از وجوه پنهان حیات فرهنگی و اجتماعی مردم قاجار در تواریخ سیاسی، که یکی از نمونه‌های آن تقابل و تعارض اعضای خانواده در برابر مظاهر نوگرایی است، خود نشانگر اهمیت این اشعار در تاریخ فرهنگی آن دوره است.



منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۸۵)، *اندیشه ترقی و حکومت قانون*، عصر سپهسالار، تهران، خوارزمی.
- آرین پور، یحیی (۱۳۵۷)، *از صبا تا نیما*، ج ۲، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- احمدی، مرتضی (۱۳۸۱)، *کهنه‌های همیشه نو*، انتشارات ققنوس.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۸۵)، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، تهران، امیرکبیر.
- ایوانف، ولادیمیر الکسیویچ (۱۳۹۲)، *فارسی در گویش بیرجند*، ترجمه محمود رفیعی، تهران، هیرمند.
- برک، پیتر (۱۳۸۹)، *تاریخ فرهنگی چیست؟ ترجمه نعمت‌اللهی فاضلی*، مرتضی قلیچ، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
- بهزادی اندوهجردی، حسین (۱۳۸۲)، *طنزپردازان ایران از آغاز تا پایان دوره قاجار*، تهران، داستان.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۰)، *تمایز، نقد اجتماعی فضاوت‌های ذوقی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: ثالث.
- بیهقی، حسینعلی (۱۳۶۸)، *پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- پناهی سمنانی، محمد (۱۳۷۶)، *ترانه و ترانه‌سرایی در ایران*، تهران، سروش.
- خادمیان، طلبعه (۱۳۸۷)، *سبک زندگی و مصرف فرهنگی، مطالعه‌ای در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی و دیباچه‌ای بر سبک زندگی فرهنگی ایرانیان*، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری جهان کتاب.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۳)، «گستره فرهنگ و جایگاه فولکلور»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی ۲۷-۳۰ خرداد ۱۳۸۱: *مردم‌شناسی و فرهنگ عامه*، تهران، بنیاد ایران‌شناسی.
- ریپکا، یان (۱۳۸۲)، *تاریخ ادبیات ایران*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، سخن.
- ژوکوفسکی، والتین (۱۳۸۲)، *اشعار عامیانه ایران در عصر قاجاری*، به اهتمام و تصحیح و توضیح عبدالحسین نوایی، تهران، اساطیر.

- سجادی، سید محمود (۱۳۸۱)، «فرهنگ عامیانه»، *کیهان فرهنگی*، شماره ۱۸۸، خرداد، ۵۶-۶۱.
- سیاح، محمدعلی (۱۳۵۶)، *خاطرات حاج سیاح*، بکوشش حمید سیاح، تهران، امیرکبیر.
- شریعت‌زاده، علی‌اصغر (۱۳۷۹)، *مجموعه مقالات مردم‌شناسی ایران*، تهران، پازینه.
- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰)، *ادوار شعر فارسی*، تهران، سخن.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۲)، *سبک‌شناسی شعر*، تهران، فردوسی.
- طباطبایی، جواد (۱۳۸۴)، *مکتب تبریز و مقدمات تجددخواهی*، تبریز، ستوده.
- طباطبایی، جواد (۱۳۸۶)، *نظریه حکومت قانون در ایران*، تبریز، ستوده.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، *مصرف و سبک زندگی*، قم، نشر صبح صادق.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۱)، «فرهنگ عامه و ادب عامه فارسی»، *فصلنامه ماه هنر*، شماره ۴۳ و ۴۴، فروردین و اردیبهشت، ۸۲-۸۵.
- فیضی، مجتبی (۱۳۹۲)، «درآمدی بر سبک زندگی اسلامی»، *فصلنامه معرفت*، سال ۲۲، شماره ۱۸۵، اردیبهشت، ۲۷-۴۲.
- کتیرایی، محمود (۱۳۵۷)، *زبان و فرهنگ مردم*، تهران، انتشارات توکا.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۸)، *امیران مزددار و مرزهای خاوری ایران*، ترجمه حمیدرضا ملک محمودی نوری، تهران، اساطیر.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۸۰)، *شرح زندگای من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار*، تهران، زوار.
- مراغه‌ای، زین‌العابدین (۱۳۸۴)، *سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ*، ج ۱، تهران، آگاه.
- مهدوی‌کنی، محمدسعید (۱۳۸۷)، «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، سال ۱، شماره ۱، ۱۹۹-۲۳۰.
- هدایت، صادق (۱۳۸۵)، *فرهنگ عامه مردم ایران*، تهران، نشر چشمه.

- هدایت، مهدیقلی خان (۱۳۶۱)، *خاطرات و خطرات*، تهران، زوار.
- روزنامه شرف، محرم ۱۳۰۱، نمره ۱۳، با مقدمه و فحارس جوادصفی نژاد، تهران، انتشارات یساولی.
- طبیبزاده، امید (۱۳۸۲)، *تحلیل وزن شعر عامیانه فارسی*، همراه سیصد قطعه شعر عامیانه، تهران، نیلوفر.
- Lefebvre, H (2002), *Everyday Life in the Modern World*. London, New York: Confinuum.

